

شهر درگذر زمان

حدود ۵ تا ۷ هزار سال بیشتر از تاریخ شهر نمی گذرد. این چندین هزار سال در مقایسه کل تاریخ حیات بشر لحظه ای بیش نیست. اما همین لحظه کل دورانی است که ما آن را تمدن (civilization) می نامیم.

تاریخ بشر تا حدود زیادی توصیف پیروزی شهرها و حیات شهری است بیشتر آنچه را که ما تاریخ باستان (Ancient History) می گوئیم. حماسه فتوحات و شکست های شهرهای بزرگ و مهم است.^۱

شهر در حقیقت نقطه آغاز تاریخ نوین بشر است. سازمان اجتماعی به تعبیر امروز آن در شهر پایه گذاری شد. سیاست، مدیریت و اقتصاد مدرن همگام با شهر به دنیا آمد. بهداشت عمومی به شکلی که نسبتی نزدیک با بهداشت امروزی نوع بشر داشته باشد از شهر آغاز گردید.

برای یافتن منشاء پیدایش شهر ناچار هستیم که به تاریخ و آثار باستانی رجوع کنیم. اولین نوع اسکان در بین انسان ها سکونتگاه های موقت، مخفیگاه ها و یا غارها بوده است. انسان موجودی است که تنها به مسئله بقا و ادامه حیات توجه ندارد. به طوری که حتی در اولین آثار سکونتگاه های موقتی انسان، یعنی غار، نقوشی ترسیم شده است که شاید نمایشگر اضطراب، وحشت، توجه به ابعاد ماوراءالطبیعه، توجیه مرگ و بعضی از شعائر بوده است (مامفورد ۱۹۸۴). در میان حرکت آزاد انسان در دوره کهنه سنگی اولین گروهی که اسکان یافتند مرده ها بودند، یعنی قبرستان اولین نوع سکونت انسان است و اغلب این قبرستان ها مبدل به اماکنی می شوند که افراد در مهاجرت های فصلی به آن باز می گشتند تا با ارواح اجداد خود تماس برقرار کنند (همان، ص ۱۴-۱۹). در بیشتر شهرهای باستانی در مصر، بین النهرین، روم و یونان قبرستان از جمله اماکن مهم بوده است.

اولین تجربه انسان از معماری به شکل طبیعی در غار پدید می آید و در همانجا تخیلات انسان نقش می بندد. اولین هسته شهر در مکان ملاقات قبایل و اقوام برای اجرای بعضی از مراسم و شعائر و یا بازگشت به همان قبرستان ها شکل می گیرد. بر مبنای شواهد باستان شناسی، مامفورد اشاره می کند که اولین دهات توسط زنان ساخته شده است.^۲

اولین شهرهای جهان بر مبنای نظر گوردون چیلد در بین النهرین حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح پدید آمدند و شهرهایی را به وجود آوردند که بین ۱۲۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰ نفر سکنه داشتند (رایزمن ۱۹۷۰، ص ۱). بعضی از جامعه شناسان شهر مانند رایزمن اظهار می دارند که علت پدید آمدن شهر را نمی دانند و بعضی دیگر معتقدند که پیدایش شهر بخشی از تکامل اجتماعی بوده است که پس از اینکه انسان از مرحله اقتصاد معیشتی عبور می کند و کنترل محیط را بیشتر در اختیار می گیرد برای ساختن شهر آمادگی پیدا می کند، یعنی توانایی ساختن محیط اجتماعی پیچیده تری را به دست می آورد. در هر صورت برای پیدایش شهر، انسان باید از مرحله ابتدایی تنازع بقا عبور کند و وابستگی انسان به طبیعت به طور نسبی کمتر شده، وابستگی اجتماعی او بیشتر شود.

همانطور که قبلاً ذکر شد اولین شهرهای جهان حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در بین النهرین دره های حاصلخیز دجله و فرات به وجود می آیند. شهرهایی مانند (کیش)، (اور)، (لاگاش)، (بابل)، (آشور)، (سومر)، (نینوا). آنگاه در مصر باستان حدود ۳۱۰۰ سال قبل از میلاد مسیح شهرهایی مانند (مونهجودارو) و (هاراپا) در کنار رودخانه سند به وجود می آیند. در حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح شهرهایی در کنار رود زرد ساخته می شوند. شهرهای یونان و روم جدیدتر هستند و به ۲۰۰ تا ۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح باز می گردند.

در نیم کره غربی در قاره آمریکا بین ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تا ۳۰۰ سال بعد از میلاد مسیح در تمدن ما شهرهایی به وجود می آیند که به دلایل نامعلوم از بین می روند (جسیت و فاوا ۱۹۶۹، ص ۹-۱۶، سویرگ ۱۹۶۵، ص ۳۸-۳۹).

شهرهای قرون وسطی در اثر تغییراتی که در ساختار قدیمی اجتماعی پدید می آید، شکل می گیرند، یعنی اتحاد مجدد قلعه با سکونتگاه ها و فعالیت های خدماتی و صنعتی افراد آن و

^۱ - جامعه شناسی شهری، دکتر صدیق

^۲ - جامعه شناسی شهر، فریده ممتاز ص ۱۱

^۳ - جامعه شناسی شهر فریده، ممتاز ص ۱۴

پیدایش بازار پس از رونق مجدد تجارت، بنابراین ساختار جدید شهر و نظام سیاسی - مدیریتی آن یکپارچگی و استقلال را به همراه دارد و در واقع بر مبنای نظر ماکس وبر این ویژگی سیاسی شهر است که آن را مبدل به مکانی خاص می سازد و حدود آن را به عنوان یک نظام اجتماعی مشخص می کند (وبر ۱۹۶۶) و ایدئولوژی تعلق به شهر را به وجود می آورد که تا امروز هم ادامه دارد. ۴

در واقع هسته اصلی شهر امروز در قرون وسطی ریخته می شود. حرکت بطنی فنودالیسم قرون وسطایی به سوی نظام بورژوازی و صنعتی همپای خود شهرها و تغییر شکل آنها را به دنبال دارد. رشد بورژوازی در بطن فنودالیسم کم کم شهرها را از حالت اولیه قرون وسطایی خارج کرد و به شکل شهرهایی که بستر مناسبی برای رشد بورژوازی و صنعت باشند تغییر شکل داد. تزلزل در تمام اشکال اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بعد از دوران فنودالیسم، مورفولوژی شهر را نیز تحت تاثیر قرار داد و کم کم شهرهای تجاری و شهرهای صنعتی از درون نظام فنودالیته سر بر آوردند.

در جایی که شهرها در انحصار بورژوازی تجاری بودند ارزش های جدیدی بر مبنای اهمیت ثروت و سود شکل می گرفت و چون شهر از مناطق روستایی جدا بود، بقای شهر متکی بر توانایی تولیدات صنعتی بود. می توان تکامل شهر را بر مبنای رابطه میان بورژوازی یا گروه تجاری اشراف و سلطنت در کشورهای مختلف تبیین کرد. برای مثال توسعه نیافتگی شهرهای تجاری اسپانیا در مقایسه با ایتالیا یا آلمان در طول قرن شانزدهم و هفدهم تحت تاثیر نقش این شهرها به عنوان واسطه میان سلطنت و تجارت با آمریکا قرار دارد. در حالی که در ایتالیا و آلمان، شهرها، بسیار مستقل بودند و وابستگی آنها به اشراف و پادشاه موقتی بود. شهرها، قبل از صنعتی شدن، یک نظام اجتماعی مستقل بودند که در اطراف فعالیت های خاص عمدتاً غیر کشاورزی و صنعتی شکل گرفته بودند. تقسیم کار اجتماعی و تکنیکی شهری (درمقایسه با روستایی) در آنها مسلط بود و توسط طبقه خاصی به نام بورژوازی تجاری هدایت می شد (کستلز ۱۹۹۸، ص ۱۴). ۵.

شهری شدن مدرن با انقلاب صنعتی شکل می گیرد. در این دوره احداث کارخانه ها در اطراف شهر، سیل مهاجرت روستائیان به شهرها را در پی دارد که الگوی جمعیتی شهرها را دچار تغییر و دگرگونی می کند. از طرف دیگر انقلاب صنعتی با تولید انبوه به مصرف کنندگانی نیاز دارد تا با خرید تولیداتش چرخ کارخانه همچنان در گردش باشد. تولید اجناس ماشینی و مشابه نوعی هم گونی مصرف در شهرها ایجاد می کند. این هم گونی مصرف باعث هم گونی مردم شهرها می شود. شیوه تولید صنعتی، نحوه زندگی فرد را تغییر می دهد و به این ترتیب شهر که موقعی تنها مرکز مبادلات یا مرکزیت سیاسی یا مدیریتی یا جایگاه فرهنگی و سکونتی بود تبدیل به مکانی جهت تولید، عرضه و مصرف تولیدات و فرآورده های کارخانجات می گردد.

به این ترتیب انقلاب صنعتی با شکوفایی تولید صنعتی ساخت شهرها را دگرگون می سازد و سازمان اجتماعی را تغییر می دهد. این تغییر در روابط درونی شهرها نیز بروز می کند. صنعت که با استثمار انسان از انسان یا به عرصه حیات گذاشته بود با تولید انبوه خود، هر طبقه و قشری را لباس های هم شکل ماشینی را به تن می کند و به این ترتیب ویژگی پوششی و قیافه ظاهری پدیده ای به نام جامعه توده وار را به وجود می آورد. جامعه توده وار تحت تاثیر تبلیغ که در این شرایط شکل می گیرد تبدیل به جامعه ای هم شکل می گردد. در این جامعه هم شکل، انسان های از طبقات قرن هیجدهمی از بین می روند. در اثر تبلیغ، کالا بدل به افسانه ای مرموز می شود و به این ترتیب بت شدن commodity fetishism شکل می گیرد.

این روند صنعتی شدن و هم شکل شدن و جامعه توده وار شهری، به دنبال خود بحران هویت و بیگانگی elination را به همراه می آورد که یکی از معضلاتی است که تا امروز نیز انسان شهری با آن دست به گریبان است.

جریان صنعتی شدن که نیروی اصلی و خلاق قرن نوزدهم بود، نامساعدترین محیط شهری را که بشر تاکنون دیده به وجود آورد، به طوری که حتی افراد مرفه هم از آن در امان نبودند، شهری شدن و صنعتی شدن رشدی همگام داشت. از یک طرف مهاجرت به شهر و از طرف دیگر افزایش مواد غذایی به ویژه به علت ورود آن از آمریکا و مستعمرات دیگر رشد جمعیت را به همراه آورد. تا قرن نوزدهم صنایع به شکل پراکنده و غیر متمرکز در کارگاه های کوچک

4 - همان ص ۲۶

5 - جامعه شناسی شهر فریده ممتاز ص ۲۷

جای داشتند، بعد از آن بدترین شرایط کار در کارخانه‌های متمرکز و بزرگ به وجود آمد. تحول نظام افزارمندی به تولید کارخانه‌ای، افزایش ساعات کار را به همراه داشت. به طوری که در شهرهای قرن نوزدهم بین ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار معمول بود. در فاصله بین سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۰۰ ویرانی و بی‌نظمی در درون شهرها شدیداً دیده می‌شود.^۶

در این سال‌ها استثمار انسان‌ها در نهایت است. استفاده از کار کودکان و زنان به دلیل کم بودن دستمزد آنها باعث می‌شود که کودکان در کارهای شاق و طاقت فرسا به کار گمارده شوند. دستمزد کم، عدم وجود امنیت شغلی، عدم وجود بیمه‌ها و سازمان‌های تأمین و رفاهی و مشکلات دیگری از این قبیل کارگران آن دوره را تبدیل به ماشین‌های زود مستهلک شونده‌ای کرده بود که قدرت هیچ اعتراضی نداشتند زیرا لشکر بیکاران پشت در کارخانه‌ها منتظر بود تا به محض اخراج کارگری به جای او مشغول شود.

شهر قرن نوزدهم در واقع همانند یک زاغه بزرگ بود. عناصر اصلی مجموعه شهری جدید کارخانه و راه آهن است و خود شهر به یک زاغه بزرگ مبدل می‌شود. کارخانه هسته اصلی شهر را تشکیل می‌داد و همه ابعاد شهر تحت الشعاع آن قرار داشت.

در شهر صنعتی جدید اساسی‌ترین خدمات شهری دیده نمی‌شد. عصر صنعت و تولید انبوه تا اواخر قرن نوزدهم برای بهبود وضع زندگی مردم نکرده بود. در آخر این قرن لوله‌کشی آب، دستشویی، نورگازی و چراغ گاز، حمام، سیستم ذخیره آب برای تمام شهر و سیستم فاضلاب پدید می‌آید.

حومه شهرها بین ۱۸۵۰ تا ۱۹۲۰ ساخته می‌شوند و پیدایش حومه شهر با رونق حرکت راه‌آهن ارتباط نزدیک دارد. در مراحل بعدی با پیدایش ترنهای زیرزمینی و اتومبیل رونق خاصی پیدا می‌کند. حرکت بخشی از خطوط حمل و نقل به زیرزمین یعنی مترو از سال ۱۹۰۵ در اروپا آغاز می‌شود. و بالاخره مامفورد در کتاب ((بزرگراه و شهر)) به نقش مهم اتومبیل در شکل دادن به فضای شهری مفصلاً اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد بزرگراه به جای اینکه در خدمت مردم شهر باشد برای صنعت اتومبیل‌سازی و استفاده هر چه بیشتر آن در سطحی بسیار وسیع ساخته می‌شود (مامفورد ۱۹۶۴، ص ۲۴۴-۲۵۶).^۷

شهرهای صنعتی - توسعه مادر شهرهای مدرن:

بلونفلد معتقد است که پیدایش پدیده ما در شهر یک تحول جدید و اساسی در تاریخ بشر است. در حالی که در آغاز صنعتی شدن مهاجرت‌های شهری مرکزگرا هستند، پس از این مرحله چون هسته مرکزی شهر به حالت انفجاری در می‌آید مهاجرت‌های مرکزگرای آغاز می‌شوند. بنابراین پیدایش ((مادر شهر)) با گسترش شهر به بیرون و پیدایش حومه نشینی همزمان واقع می‌شود. ((مادر شهر)) اولیه بر مبنای نظر بلونفلد حوزه‌ای از تمرکز ۵۰۰۰۰ نفر است که شعاع حرکت از درون به مرکز در حدود ۴۰ دقیقه با وسایل حمل و نقل سریع است.

دلایل توسعه ((مادر شهرهای)) مدرن گوناگون هستند. بلونفلد در دهه ۱۹۶۰ به رشد جمعیت، مهاجرت به شهرها، پیشرفت تکنولوژی، پیدایش حمل و نقل سریع، حرکت جمعیت به حومه‌ها به علت نامساعد بودن شرایط محیطی در مرکز شهر و تبدیل مرکز شهر به محل کار اشاره می‌کند.

در مادر شهر مشاغل تخصصی و تقسیم کار پیچیده است. قشر جدیدی در مادر شهر رشد می‌کند که در بخش خدمات مشغول هستند و جمعیت قابل توجهی را تشکیل می‌دهند. اجزاء ما در شهر عبارتند از:

- مجتمع اقتصادی مرکزی، متشکل از ادارات دولتی و موسسات خصوصی و بخش‌های خدمات شهری است.
- مناطق مسکونی با وسایل و خدمات وابسته به آن.
- کارخانه‌ها و تاسیسات صنعتی وابسته به آن.
- زمینها و فضاهای باز.^۸

(مادر شهر) یک پدیده ساده نیست. مجموعه‌ای از عوامل نیروهای تولیدی، روابط اجتماعی جدیدی را پدید می‌آورند که در قالب شیوه فرهنگی خاصی تجلی پیدا می‌کند. پیوند

^۶ - جامعه‌شناسی شهر فریده ممتاز ص ۴۶

^۷ - جامعه‌شناسی شهر فریده ممتاز ص ۴۹

^۸ - امعه‌شناسی شهر فریده ممتاز ص ۵۲

میان فضا و تکنولوژی مهمترین رابطه میان مجموعه ساخت اجتماعی و این شکل شهری است. ۹.

کلان شهر (Megalopolis):

اولین کلان شهر در آمریکا شکل گرفت. کلان شهر جدیدترین شکل سکونت شهری است که در قرن بیستم پدید می آید و تمایز میان شهر و ده از بین میرود، بطوریکه ناچار هستیم نام جدیدی برای آن انتخاب کنیم و مفاهیم قدیمی را کنار بگذاریم. واژه کلان شهر را اولین بار گاتمن برای رجوع به تحولی جدید در شمال شرقی آمریکا به کار برد. هر شهری در این ناحیه به طور گسترده ای در فضاهای اطراف خود پراکنده شده است و فراتر از هسته اولیه خود حرکت می کند به طوری که حومه شهرها با هم تلاقی پیدامی کنند و نمی توان مشخص کرد که یک حومه یا یک شهر اقماری، جزء کدام مادرشهر است. ۱۰

کلان شهر حاصل اتصال فضایی (البته نه لزوماً سیاسی) دو یا چند شهر در طول کریدورهای حمل و نقلی عمده می باشد. به موازات رشد شهرنشینی و تعدد و تکثیر شهرها در جهان، هر منطقه یا کشور، شهرهایی را ایجاد کرده است که میتوان آن را بر اساس اندازه، جمعیت و اقتصاد و سایر کارکردها رتبه بندی نمود. این شهرها بوسیله سیستم حمل و نقل (ترابری) پیچیده رو به رشد و شبکه ارتباطات به هم متصل شده اند. در واقع این شبکه های به هم متصل شده است که انگیزه اصلی تشکیل کلان شهر را ایجاد می نماید. ۱۱



توکیو، پرجمعیت ترین کلان شهر دنیا

تکنو - شهر:

با نزدیک شدن به قرن بیست و یکم، جهان با تجربه تکنولوژی در سطح بالا مواجه است. این تجربه همانقدر عمیق است که انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم وضعیت شهرنشینی را دگرگون ساخت. تکنوشهرها، شهرهایی هستند تمیز، با جمعیتی مرفه، متشکل از برگزیدگان متخصص. در این شهرها اثری از زاغه های مخروبه که پشت بلوارهای بزرگ یا مناطق مرفه، مخفی شده باشند دیده نمی شود. منظور از تکنوشهر یک منطقه پیرامونی وسیع است که یک واحد اجتماعی - اقتصادی است. دارای بزرگراه ها، مراکز خرید، پارک های صنعتی، مجموعه های اداری، بیمارستان، مدرسه و انواع مسکن است. ساکنین آن از نظر شغلی و

۹ - همان

۱۰ - جامعه شناسی شهر فریده ممتاز ص ۵۲

۱۱ - جامعه شناسی شهر دکتر صدیق ص ۱۰

خدمات به ما در شهر مرکزی وابسته نیستند و صنایع آن کارمندان و خدمات تخصصی خود را دارند. تکنولوژیک و علمی را تشکیل می‌دهد.

بافت تکنوشهر از طریق بزرگراه‌های عظیم و راه‌های کمربندی مشخص می‌شود که همهٔ نقاط پیرامونی را بدون عبور از مرکز شهر به یکدیگر مربوط می‌سازد. سیلیکون ولی Silicon Vally در کالیفرنیا، سوفیا آنتی پولیس Sophia-Antipolis در فرانسه و شهرهای پیشرفتهٔ تکنولوژیک در ژاپن نمونه‌هایی از تکنوشهرهای دنیای معاصر هستند. ۱۲